

# **Geopolitical Impact of National Interest of the Islamic Republic of Iran on Competition NATO and the Shanghai Cooperation Organization in Central Asia**

**Habibolah Jamshidi**

**Hojat Mahkouii**

**Mahnaz Godarzi**

**Mahdi Momeni**

## **Abstract**

National interests are the core component of foreign and domestic policy decision-making for any country. One of the strategies to achieve national interests is to cooperate within regional organizations' framework or be active while looking at other countries' interests with priority given to a country's periphery. The Central Asian region, as one of the regions of interest to regional and supra-regional powers, is currently the arena of SCO-centered competition between China and Russia, as well as the presence and tendency of NATO, centered around the U.S. to compete with Russia and China. As a country with several geopolitical regions, Iran can not be successful in its regional and international strategies without considering these regions and not being a member of the regional organizations affiliated with these regions. The present study was collected by the qualitative method and the nature of the descriptive-analytical method approach and a survey method (interview) with ten experts in the security and Central Asia field who were selected and appropriately saturated by purposeful and available sampling

method. This article investigates the geopolitical impact of the Islamic Republic of Iran's national interests on the competition between NATO and the SCO in Central Asia. The main question is: To what extent do the geopolitical conflict and the rivalry between Shanghai Cooperation and NATO in Central Asia affect Iran's national interests? Accordingly, the research findings show Central Asia has a geopolitical connection with Iran. Therefore, the rivalry between NATO and Shanghai Cooperation has affected Iran's national interests. It has required Iran to adopt an appropriate strategy to review and redefine the security environment to protect its national interests.

**Keywords:** *Iran, Central Asia, NATO, Shanghai Cooperation Organization, National Interest, Competition*



# تأثیرپذیری ژئوپلیتیکی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از رقابت

## ناتو و سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی<sup>۱</sup>

حبیب‌الله جمشیدی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Habibjamshidi1359@gmail.com

حجت مهکویی

نویسنده مسئول، گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Hojat\_59\_m@yahoo.com

مهناز گودرزی

عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

Mahnazgodarzi60@gmail.com

مهدی مؤمنی

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران Momeni2000@yahoo.com

### چکیده

منافع ملی به عنوان مؤلفه اصلی تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی و داخلی برای هر کشوری مطرح است. یکی از راهبردهای دستیابی به منافع ملی، همکاری در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای یا حضور فعال همراه با نگاه به منافع دیگر کشورها با اولویت به مناطق پیرامونی یک کشور است. منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان یکی از مناطقی که موردتوجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد، در حال حاضر، عرصه رقابت‌های سازمان همکاری شانگهای با محوریت چین و روسیه و همچنین حضور و گرایش ناتو با محوریت آمریکا برای رقابت با روسیه و چین قرار دارد. ایران به‌عنوان کشوری که در پیرامون خود، مناطق ژئوپلیتیکی چندی را دارد، نمی‌تواند بدون توجه به این مناطق و عضویت نداشتن در سازمان‌های منطقه‌ای وابسته به این مناطق، در استراتژی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود موفق باشد. پژوهش حاضر با روش کیفی و ماهیت رویکرد روش توصیفی-تحلیلی و همچنین با روش پیمایشی (مصاحبه) با ۱۰ نفر از کارشناسان حوزه امنیتی و آسیای مرکزی که به‌واسطه روش نمونه‌گیری هدفمند و دردسترس که

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

به‌طور تخمینی انتخاب‌شده‌اند، گردآوری و به اشباع نظری رسیده است. هدف این مقاله، بررسی تأثیرپذیری ژئوپلیتیکی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی است. بنابراین پرسش اصلی این است که تضاد ژئوپلیتیکی و رقابت شانگهای و ناتو در آسیای مرکزی، منافع ملی ایران را در چه ابعادی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؟ براین اساس، یافته‌های پژوهش نشان دادند که: از آنجا که آسیای مرکزی دارای پیوستگی ژئوپلیتیکی با ایران است؛ لذا رقابت ناتو و شانگهای منافع ملی ایران را متأثر از خود ساخته است، که در این صورت ایران را ملزم به اتخاذ یک راهبرد مناسب در قالب بازنگری و بازتعریف محیط امنیتی در راستای حفاظت از منافع ملی خود کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، آسیای مرکزی، ناتو، سازمان همکاری شانگهای، منافع ملی،

رقابت

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۸ تاریخ بازبینی: ۹۹/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۳

فصلنامه راهبرد، دوره ۲۹، شماره ۹۶، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۰۳-۱۳۶



## مقدمه

در روابط میان کشورها، دنبال کردن و دستیابی به منافع ملی، مهم‌ترین گزاره تصمیم‌گیری است. یکی از رویکردهایی که می‌توان با آن به این منافع دست یافت، پیوندهای منطقه‌ای و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای است. در مطالعات ژئوپلیتیک، منطقه‌گرایی و مباحث مرتبط با آن، همچون عناصر و عوامل پیونددهنده یک محیط سیاسی، نقش‌آفرینی یک منطقه ژئوپلیتیکی در عرصه جهانی و ... همواره یکی از مباحث مهم بوده است. عوامل ژئوپلیتیکی، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مناسبات سیاسی کشورها هستند. بعد از پایان جنگ سرد، عوامل ژئواکونومیکی نیز در مناسبات میان کشورها نقش زیاد و مهمی به خود گرفته‌اند. در دو دهه اخیر، عامل اصلی تعیین‌کننده در حوضه‌ی دریای خزر، متأثر از رقابتی بوده است که میان اروپا و آمریکا از یکسو و روسیه از سوی دیگر به وجود آمده و روسیه با داشتن بزرگ‌ترین ذخیره‌ی گازی متعارف در جهان، از مهم‌ترین صادرکنندگان گاز به بازارهای اروپایی است. لاجرم، با حضور ایران به عنوان دومین کشور از نظر داشتن ذخایر گازی در دنیا و موقعیت جغرافیایی - راهبردی آن بین بازارهای اروپایی و آسیایی، به شکل طبیعی ظرفیت رقابت بزرگی بین ایران و روسیه برای سهم‌های بازار در این مناطق وجود دارد. هم‌اکنون، روسیه زیرساخت‌های خطوط لوله‌ی گاز گسترده‌ای را داراست و در صادرات گاز به کشورهای اروپایی و آسیایی موفق است؛ به علاوه این کشور، به دنبال این است که به بازارهای صادرات گاز خود تنوع ببخشد تا امنیت تقاضا را افزایش دهد اما ایران (به دلیل تحریم‌ها و شرایط داخلی) در حال حاضر، فقط به کشورهای ترکیه،

ارمنستان، جمهوری آذربایجان و به زودی پاکستان، حجم اندکی از گاز طبیعی خود را صادر می‌کند (Amiri & Karami, 2017).

در منطقه آسیای مرکزی، وضعیت ژئوپلیتیکی به طور چشمگیری تغییر کرده است و جمهوری‌های منطقه بارها ابراز علاقه خود را برای توسعه روابط با روسیه، چین، آمریکا، اتحادیه اروپا، آلمان، ژاپن و دیگران ابراز داشته‌اند. آسیای مرکزی یک سیستم کم‌ویش کارآمد از بررسی‌ها و توازن‌ها را ایجاد کرده است که در آن هیچ یک از بازیگران خارجی مزیت یا فضای بیشتری برای مانور و شکل‌گیری پیشرفت منطقه دریافت نمی‌کنند. با این حال، بین بازیگران اصلی فعال در منطقه اختلاف نظر وجود دارد. برای جمهوری‌های آسیای مرکزی، روابط با ایالات متحده در زمینه همکاری با کشورهای توسعه یافته غرب، برای انجام اصلاحات دموکراتیک و اقتصادی در منطقه حائز اهمیت است. ایالات متحده یکی از اولین کشورهای غربی بود که استقلال کشورهای آسیای مرکزی را به رسمیت می‌شناخت و با همه آنها روابط دیپلماتیک برقرار می‌کرد. استراتژی ایالات متحده در قبال کشورهای آسیای میانه عمدتاً بر اساس دلایل ژئوپلیتیکی انجام می‌شود. این یک رویکرد عملی است، که اولویت‌های استراتژیک و منافع ایالات متحده را در نظر می‌گیرد (Rakhimov, 2015). در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۹، شورای اتحادیه اروپا، نتیجه‌گیری در مورد استراتژی جدید اتحادیه اروپا در مورد آسیای مرکزی را با تطبیق سیاست اتحادیه اروپا با فرصت‌های جدیدی که در منطقه پدید آمده است، اتخاذ کرد. این شورا با تشخیص نقش استراتژیک آسیای مرکزی در تلاش‌های جهانی برای ترویج اتصال یورو-آسیا و تأکید بر اینکه این تلاش‌ها باید منافع منطقه را به همراه آورد، تأکید کرد که مشتاقانه منتظر افزایش همکاری با کشورهای آسیای مرکزی برای ارتقای پایدار، جامع و پیوند مبتنی بر قوانین است (Central Asia: Council adopts a new EU strategy for the region, 2019).

باتوجه به نقش مناطق و منطقه‌گرایی در سیاست خارجی هر کشوری و همچنین برای ایران، منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان یکی از مناطقی است که برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی، مهم است و باید به آن توجه کند، تا منافع ملی

کشور هرچه بیشتر در راستای توسعه یافتگی پیش رود. در این میان، رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای<sup>۱</sup> در آسیای مرکزی، سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. با شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای (۲۰۰۱)، ما اکنون شاهد رقابت این سازمان و ناتو در آسیای مرکزی هستیم؛ چرا که پیمان ناتو و سازمان همکاری شانگهای، نه به وسیله ایدئولوژی، بلکه بیشتر روی منافع ژئوپلیتیک‌شان و سایر اختلافات در مقابل هم قرار خواهند گرفت. در نتیجه این سازمان همکاری، حضور ناتو و آمریکا را در افغانستان و آسیای مرکزی به‌عنوان تهدیدی برای منطقه تلقی می‌کند و مبارزه با تروریسم را در آسیای مرکزی، بهانه‌ی سیاسی می‌داند که برای توسعه هژمونی خودش بر منطقه از آن بهره می‌جوید. متقابلاً ناتو و آمریکا نیز سازمان همکاری شانگهای را سازمانی می‌دانند که در نتیجه سلطه‌ی مشترک روسیه - چین در پی شکست ناتو مبنی بر حفظ تعهدات منطقه‌ای‌اش، شکل گرفته است. البته از نظر گالو<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) از آنجا که ناتو به‌عنوان یک پیمان امنیتی - نظامی و با کارکرد و نقش نظامی است و سازمان همکاری شانگهای که متمرکز بر تجارت و اقتصاد است، مقایسه آنها با هم می‌تواند گمراه‌کننده باشد (Gallo, 2017). لاجرم، از تضاد ژئوپلیتیکی و رقابت سازمان همکاری شانگهای و ناتو در آسیای مرکزی، منافع ملی ایران، در چهار بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. بررسی تأثیر این رقابت بر منافع ملی ایران در ابعاد مختلف، سیاست خارجی ایران، تغییر محیط امنیتی ایران و اتخاذ راهکارهای مناسب از سوی ایران در جهت استفاده از گسل‌های شکل گرفته در میان قدرت‌ها در سطح میانی و دو سازمان شانگهای و ناتو در آسیای مرکزی موضوعاتی هستند که این پژوهش در صدد بررسی آنها بر خواهد آمد. لذا متناسب با این مطلب در این پژوهش با چند مسأله مختلف روبه‌رو هستیم از جمله: تضاد ژئوپلیتیکی و رقابت شانگهای و ناتو در آسیای مرکزی منافع ملی ایران، را در چه ابعادی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؟ رقابت ناتو و شانگهای متأثر

---

1. Shanghai Cooperation Organization

2. Ernesto Gallo

از چه عواملی است؟ این رقابت چه تأثیری بر فضای ژئوپلیتیک منطقه خواهد گذاشت؟

## مبانی نظری پژوهش

### سیستم امنیت منطقه‌ای

تئوری‌های جدید در مطالعات امنیتی مانند مکتب کپنهاک، به‌رغم آن‌که امنیت ملی را مرکز ثقل و گرانیگاه مطالعات خود قرار داده‌اند، با این حال معتقدند که اگر دولتی نتواند امید به زندگی را در بین شهروندان تأمین و تضمین کند، از لحاظ امنیت اجتماعی و امنیت عمومی فاقد کارآمدی باشد و امنیت اقتصادی و زیست‌محیطی را تأمین نکند، فاقد هرگونه امنیت ملی است. از نظر محققان روسی، توسعه مکتب کپنهاک ارتباط نزدیکی با متفکران سیاسی - فلسفی اروپای نیمه دوم قرن ۲۰ (B.B., 2014) دارد. باری بوزان<sup>۱</sup> به‌عنوان نماینده مکتب کپنهاک، اعتقاد دارد که امنیت، آن مفهوم سنتی خود را که در چارچوب مدل وستفالیایی بود، دربردارد و امروزه امنیت، ابعاد چندگانه‌ای پیدا کرده است. بوزان معتقد است که امنیت ملی و بین‌المللی به‌وسیله‌ی امنیت منطقه‌ای، معنا و مفهوم می‌یابد. در نتیجه، سیاست خارجی مناسب هر کشوری با توجه به مکتب کپنهاک، سیاستی است که به امنیت چندبعدی، توجهی ویژه کند و برای کسب امنیت ملی خویش، نگاه ویژه‌ای به امنیت منطقه‌ای خود داشته باشد. بر این اساس، سیاست خارجی به این دلیل باید به امنیت، نگاه چندبعدی داشته‌باشد (Abdolahkhani, 2007).

اصطلاح «مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای»<sup>۲</sup>، برای اولین بار، در دهه ۱۹۶۰ میلادی در پژوهش‌های ویلیام تامس و گراید<sup>۳</sup> مصطلح شده است. آنها معتقد بودند که، مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای، مجموعه‌ای تشکیل‌شده از دولت‌هایی است که حفظ امنیت یک کشور عضو، با حفظ امنیت عضو دیگر و تهدید امنیت یک عضو به

1. Buzan

2. Regional Security Complex

3. William Thomas and Grade



مانند تهدید امنیت دیگر اعضا، مرتبط و به هم وابسته است. اما بوزان این گزاره را به‌طور گسترده‌ای در پژوهش‌های خود و به‌طور خاص در ویرایش دوم کتاب خود «مردم، دولت‌ها و هراس» در سال ۱۹۹۱ به کار برده است و به‌عنوان یک مفهوم کلیدی، وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد (Rafie & Mazlomi, 2011). بوزان با ارائه یک تعریف جامع، مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از کشورها که در یک منطقه جغرافیایی با پیوستگی سرزمینی در همسایگی یکدیگر قرار دارند و محافظت و برقراری امنیت برای یکدیگر به‌عنوان گزاره‌ای اصلی، میان این کشورها بوده و مخاطره افتادن امنیت یک کشور از این مجموعه، به‌مانند این است که امنیت دیگر اعضا نیز به مخاطره افتاده است (Buzan & Waever, 2009).

همان‌گونه که در تعریف نمایان است، مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای مشخصه‌های زیر است: اول، حوزه جغرافیایی مشترک: بر مبنای تعریف بوزان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، کشورهایی را شامل می‌شود که به لحاظ سرزمینی و جغرافیایی، اشتراکاتی داشته باشند (مانند کشورها در منطقه آسیای مرکزی). دوم، منافع مشترک: کشورهای این‌گونه مناطق، منافع مشترک و همانندی داشته باشند، به‌گونه‌ای که تأمین منافع هر کشور به‌مانند تأمین منافع دیگر کشورهای عضو است، که طیفی از منافع سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود (مانند منافع اقتصادی در حوزه‌های انرژی و مسیرهای انتقال انرژی در منطقه آسیای مرکزی). سوم، تهدیدات مشترک: همان‌طور که منافع کشورهای عضو مشترک است، بنابراین تهدیداتی که از خارج برای منطقه شکل می‌گیرد نیز مشترک خواهد شد. این‌گونه تهدیدات در شکل‌های گوناگون و با توجه به محیط جغرافیایی و ژئوپلیتیک آن، اشکال حکومت‌ها و چگونگی تعامل آنها با محیط پیرامونی و فراپیرامونی گسترش می‌یابد. چهارم، داشتن الگوی دوستی و دشمنی: ترس و هراسی که نسبت به یک موضوع بیش از هر مسأله دیگری خود را میان کشورهای منطقه نشان می‌دهد (مانند حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آسیای میانه). پنجم، همانندی‌ها و تشابهات نژادی یا فرهنگی: که شکل و ساختار مجموعه‌های امنیتی

را متأثر می‌سازند (مانند شباهت‌های فرهنگی، پیشینه‌ی تاریخی مشترک) (Rafie & Mazlomi, 2011). بنابراین، عنوان مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای را زمانی می‌توان برای یک منطقه به کار برد که کشورهای یک منطقه با پیوستگی سرزمینی و ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با عقلانیت جمعی از یکدیگر دفاع می‌کنند و هرگونه تهدید خارجی مرتبط با منافع و امنیت ملی یکدیگر را دفع می‌کنند. باتوجه به گزاره‌های موجود در تعریف مجموعه‌های منطقه‌ای امنیتی، می‌توان بیان کرد که کشورهای آسیای مرکزی دارای همه‌ی ویژگی‌ها و مشخصه‌های لازم برای یک چنین مجموعه‌ای را دارند. ویژگی‌ها و مشخصه‌های موجود در این منطقه، رقابت و تقابل کشورهای قدرتمند و فرامنطقه‌ای، چگونگی این مدعا را نشان می‌دهند.

### روش پژوهش

این تحقیق براساس هدف از نوع کاربردی و به روش کیفی و براساس ماهیت روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه) انجام گرفته است. لذا روش تجزیه و تحلیل اطلاعات برای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، از تحلیل مضمون و از میان روش‌های مختلف تحلیل مضمون از روش شبکه مضامین استفاده می‌شود. ابتدا داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده، سپس به بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و پس از آن نتیجه‌گیری شده است. حجم نمونه ۱۰ نفر از کارشناسان، صاحب‌نظران و استادان مرتبط با حوزه آسیای مرکزی هستند که به روش تخمینی و دردسترس انتخاب شده‌اند. به‌منظور اعتبار پژوهش از روش چندسویه‌سازی درون روشی و به‌منظور پایایی سنجی از ضریب پایایی و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل متن و نیز تحلیل مضمون با استفاده از کدگذاری موضوعی استفاده شده است. پرسش اصلی مطرح شده این است که تضاد ژئوپلیتیکی و رقابت شانگهای و ناتو در آسیای مرکزی، منافع ملی ایران را در چه ابعادی تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؟ براین اساس انگاره پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که از تضاد ژئوپلیتیکی و رقابت سازمان همکاری شانگهای و ناتو در آسیای مرکزی، منافع ملی ایران، در چهار بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و

اجتماعی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. همچنین رویکرد مقاله برای بررسی پرسش و انگاره پژوهش به نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای باری بوزان بوده است.

## یافته‌های پژوهش

### ناتو و دلایل حضور آن در آسیای مرکزی

روس‌ها بعد از انگلیسی‌ها تنها ابرقدرت‌های قرن بیستم میلادی هستند که با خارج شدن از گروه امپریالیسم حاکم، کماکان خواهان حفظ اقتدار خود در باشگاه قدرت‌های بین‌المللی هستند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی سوسیالیستی هرچند در نظام بین‌الملل، دیگر مسکو نقش ابرقدرتی خود را به‌خاطر درگیری و مشکلات اقتصادی تاحدودی از دست داد، اما همچنان وارث تسلیحات اتمی شوروی و نیز نفوذ ساختاری حکومت کمونیست‌ها بر بلوک شرق و به‌تبع آن تأثیرگذار در نظام بین‌الملل است. از دیدگاه مسکو به همین دلیل است که دولت‌های غربی و به‌ویژه ایالات متحده خواستار روسیه‌ای هستند که در مرزهای خود محدود شود؛ بنابراین هرگونه گسترش ناتو به سوی شرق و آسیای مرکزی و به‌تبع آن به سوی روسیه، به زیان این کشور تمام خواهد شد. لذا این مسائل باعث شده تا ایالات متحده برای ایجاد نظم جدید و نفوذ در اروپای شرقی به ناتو متکی شود و ناتو تنها سازمانی باشد که حضور و دخالت ایالات متحده را در اروپای شرقی و آسیای مرکزی مشروع جلوه دهد، به‌نحوی که کسینجر آن را جایزه پیروزی در جنگ سرد می‌خواند. لذا ایالات متحده در دهه نود فرایند تحول ناتو را برای تبدیل آن به ابزاری کارآمد در راستای هژمونی خود مدیریت کرده است. این تحول در چند عرصه قابل توجه است: تبدیل ناتو به سازمانی سیاسی‌تر، مشارکت در صلح و ثبات منطقه، گسترش به شرق (Nye, 1990). به‌علاوه از آنجایی که روسیه و چین سیاست‌های خارجی فعالانه‌ای را دنبال می‌کنند، سیاست‌های غربی باید با این واقعیت که مشارکت آنها برای ماندن است، سازگار شوند. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسکو و پکن روابط خود را از بودن به عنوان

مخالفان جنگ سرد مبدل کردند تا با هدف مشترک عقب‌نشینی به یک سیستم بین‌المللی تحت سیطره غرب، به شریک عملی تبدیل شوند. روابط آنها تاکتیکی و فرصت طلبانه است، اما با منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی به طور فزاینده سازگار است. هردو با به اشتراک گذاشتن یک جهان بینی ژئوپلیتیکی چندقطبی، عزم راسخی دارند که قدرت غربی را محدود کنند و به دنبال تسریع در آنچه آنها می‌دانند و آن تضعیف ایالات متحده است، باشند (Stronski & Ng, 2018).

ناتو به تعمیق همکاری با کشورهای همکار خود در آسیای مرکزی - قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان - ادامه می‌دهد. روابط هر کشور این منطقه با ناتو تحولات متفاوتی یافته است، زیرا شرکا آزاد هستند که چگونگی و اینکه در کدام زمینه‌ها مایل به همکاری با ناتو هستند را انتخاب کنند. در واقع، ساختارهای مشارکت و برنامه‌های همکاری ناتو، چارچوبی چندجانبه برای گفتگوهای امنیتی و فرصت‌هایی برای همکاری عملی دوجانبه در طیف گسترده‌ای از مناطق با کشورهای عضو ناتو و سایر کشورهای شریک ارائه می‌دهد. این باعث شفافیت و ایجاد اعتماد به نفس می‌شود و به رفع چالش‌های مشترک امنیتی می‌پردازد. این بخشی از سیاست ناتو برای دستیابی به مناطق مهم استراتژیک است که امنیت و ثبات آنها از نزدیک با امنیت گسترده‌تر اتحادیه اروپا اقیانوس اطلس مرتبط است (Partners in Central Asia, 2014). در نتیجه ناتو برای گسترش به شرق و کاهش حساسیت‌های روسیه، از سیاست مشارکت برای صلح بهره گرفته است، اهداف ناتو از این سیاست عبارتند از: (۱) کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را در مسائل امنیتی اروپا درگیر کنند و این را از طریق پذیرش مشارکت آنها و به هنگام تهدید، مشورت‌های مشترک با آنها انجام دهند؛ (۲) تبادل اطلاعات و توسعه همکاری‌های نظامی؛ (۳) در مواقع بحرانی، زمینه لازم برای عملیات حفظ صلح را به وجود آورند؛ (۴) ثبات منطقه را در راستای منافع و اهداف غرب، استحکام بخشند (Motaharniya, 2004).

دخالت و حضور ایالات متحده در مناطق مهم و راهبردی جهان، همچون آسیای مرکزی و قفقاز در راستای هژمونی طلبی ایالات متحده در جهان انجام

می‌گیرد. اولویت‌ها و محورهای سیاست خارجی ایالات متحده در این منطقه عبارتند از: (۱) جلوگیری از احیای قدرت روسیه؛ (۲) مهار اسلام‌گرایی و جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی؛ (۳) مهار ایران؛ (۴) منافع اقتصادی (مواد خام و بازارهای مصرف منطقه)؛ (۵) اهداف و منافع نظامی؛ (۶) ارائه الگویی برای جمهوری‌های منطقه (حاتمی، ۱۳۸۲: ۲-۴۶). دولتمردان آمریکا مدعی هستند که منافع استراتژیک اصلی ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی ایجاد یک منطقه مرکزی باثبات‌تر و مرفه‌تر است که آزادانه بتواند منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی را با انواع شرکا با شرایط خاص خود دنبال کند، به بازارهای جهانی متصل شده و برای سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی باز باشد و دارای نهادهای دموکراتیک قوی، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر شود. آسیای مرکزی پایدار و مطمئن، مستقیماً در تلاش‌های ایالات متحده برای مقابله با تروریسم، حمایت از ثبات منطقه‌ای، ارتقای امنیت انرژی و تقویت رونق اقتصادی در منطقه و بعد از آن نقش دارد. ایالات متحده بیش از ۹۰ میلیون دلار برای امنیت مرزی در آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری کرده و بیش از ۲۰۰ فعالیت آموزشی و آموزش بیش از ۲۶۰۰ افسر مرزی را انجام داده است (Bureau of South and Central Asian Affairs, 2020). باتوجه به زیاده‌خواهی‌های آمریکا و متحدانش است، که حضور ناتو به سمت شرق و آسیای مرکزی اتفاق افتاده است و گرنه شرق و دیدگاه کشورهای آسیای مرکزی باتوجه به نقش اسلام‌گرایی و افراط‌گرایی که ممکن است اتفاق بیفتد حالت متضادی را میان استراتژی این دو سازمان به وجود آورده است. از همین گونه، تضادهاست که چالش‌ها شکل می‌گیرند. باتوجه به ویژگی‌ها و پتانسیل‌هایی که آسیای مرکزی در ابعاد ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی دارد، هنوز نتوانسته است به‌عنوان یک منطقه کارآمد ظاهر شود و کشورهای این منطقه در زمره کشورهای توسعه‌یافته نیستند. اما آنچه مطرح است؛ این منطقه، باتوجه به شکل‌گیری متغیرهای موجود ناشی از حضور ابرقدرت‌ها و رقابت آنها و همچنین مشخصه‌های درونی خود منطقه، یک مجموعه منطقه‌ای امنیتی را نمایان می‌کند که توجه به این مهم، از سوی دولتمردان کشورهای آسیای مرکزی در

دستیابی به آن، نیاز است.

**رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای در منطقه و تأثیر آن بر منافع ملی ایران**

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و سازمان همکاری شانگهای هر دو در آسیای مرکزی و خلیج فارس، منافع ژئوپلیتیکی دارند. اولی یک اتحاد نظامی است، که اعضای آن حضور قابل توجهی در خاورمیانه بزرگ دارند، از جمله حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان، جیبوتی، عراق، کویت، قطر، عربستان سعودی، امارات، بحرین و عمان؛ حضور نظامی انگلیس در افغانستان و بحرین و حضور نظامی فرانسه در افغانستان، جیبوتی و امارات. در مقایسه، سازمان همکاری شانگهای یک بلوک سیاسی است که اعضای آن در سطح پایینی از ادغام نظامی قرار دارند. چین نیز مانند حضور نظامی روسیه در قرقیزستان و تاجیکستان، پایگاه لجستیکی در جیبوتی دارد. هند در تاجیکستان حضور نظامی دارد. این سه عضو سازمان همکاری شانگهای از نزدیکی جغرافیایی بهتری برخوردار هستند، اما سه عضو ناتو در استقرار نظامی و قابلیت های پیش بینی قدرت، قوی تر هستند. قدرت های اصلی سازمان همکاری شانگهای قدرت زمینی مربوطه خود را در آسیای مرکزی تثبیت کرده اند، در حالی که اعضای ناتو هم قدرت زمینی در افغانستان و هم نیروی دریایی در خلیج فارس را به دست آورده اند. به علاوه مواضع نظامی مربوط به ارتش کشورهای سازمان همکاری شانگهای و ناتو تقویت شده است، کشورهای آسیای مرکزی و خلیج فارس با مشکلات جدی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و درگیری بین دولت روبه رو هستند. با توجه به این امر، حضور نظامی نیروهای خارج از ناتو و سازمان همکاری شانگهای ممکن است در یک پایه ضعیف قرار داشته باشند و ممکن است در آینده با موانع مختلفی روبه رو شوند (Sun & Elmahly, 2019).

ناتو به تعمیق همکاری با کشورهای همکار خود در آسیای مرکزی ادامه می دهد. این بخشی از سیاست ناتو برای دستیابی به مناطق مهم استراتژیک است که امنیت و ثبات آنها از نزدیک با امنیت گسترده تر یورو-آتلانتیک مرتبط است. به علاوه هریک از این پنج کشور توانایی تأثیر مثبت بر توسعه آینده افغانستان را

دارند؛ جایی که اتحاد عمیقاً درگیر است. مفهوم استراتژیک جدید ناتو، که در نوامبر ۲۰۱۰ در نشست لیسبون تصویب شد، اظهار داشت که ارتقای امنیت یورو-آتلانتیک به بهترین وجه از طریق شبکه گسترده‌ای از روابط مشترک با کشورها و سازمان‌های مختلف جهان تضمین می‌شود. تلاش متمرکز برای اصلاح سیاست مشارکت ناتو در لیسبون آغاز شد تا گفت‌وگو و همکاری بیشتر فراگیر، انعطاف‌پذیر و استراتژیکی شود. هر پنج کشور آسیای مرکزی در شورای همکاری آتلانتیک شمالی مشارکت‌کننده بودند (NATO's Relations with Central Asia, 2016). از دلایل دیگر اهمیت آسیای مرکزی، اهداف اقتصادی آن برای چین است. آنچه به‌عنوان مهم‌ترین هدف اقتصادی برای چین، مطرح است، تأمین انرژی موردنیاز خود، مانند نفت و گاز است. در توسعه بلندمدت اقتصاد چین، واردات انرژی اهمیت و اولویت ویژه‌ای را دارا هستند و در این زمینه، آسیای مرکزی، یکی از مهم‌ترین مناطق با منابع انرژی در جهان است (Amiri & Karami, 2017).

آسیای مرکزی با قرار گرفتن در مرکز توجهات واشنگتن، مسکو و پکن، از لحاظ همبستگی جهانی به یک منطقه منحصربه‌فردی تبدیل شده است (Rauf, 2017). منابع طبیعی در این منطقه - از جمله نفت، گاز، انرژی برقی، اورانیوم، زغال‌سنگ، طلا، مس و آلومینیوم - به وفور یافت می‌شود. قزاقستان بزرگ‌ترین تولیدکننده اورانیوم در دنیا به‌شمار می‌رود و در سال ۲۰۱۳ به‌تنهایی ۳۸٪ از تولید اورانیوم دنیا را به خود اختصاص داده است. همچنین، ترکمنستان چهارمین ذخایر گاز دنیا را در اختیار دارد و تاجیکستان به‌تنهایی ۴٪ از انرژی برقی دنیا را تولید می‌کند که از این نظر در رتبه دوم قرار می‌گیرد. این منطقه همچنین از نظر تولید کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ۱۵٪ تولید ناخالص داخلی این کشورها از طریق تولیدات کشاورزی تأمین می‌شود (Lopour, 2015). سرشار بودن منطقه از منابع طبیعی، سبب افزایش منافع قدرت‌های بزرگ برای منابع طبیعی و افزایش رقابت تنگاتنگ، میان کشورهای قدرتمند فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای مانند ترکیه، ایران، پاکستان و هند در آسیای مرکزی شده است (Rauf, 2017).

چین نیز همواره به مسأله انتقال انرژی از آسیای مرکزی توجه ویژه‌ای نشان

داده است. با این حال در بازی‌های ژئوپلیتیکی منطقه، برتری از آن روسیه است. لاجرم، چین حضور و نقش پررنگی در سازمان همکاری شانگهای برای رسیدن به اهداف خود، ایفا می‌کند. سازمان همکاری شانگهای یک جامعه امنیتی نوظهور است که در سال ۲۰۰۱ ایجاد شده است تا در منطقه آسیای مرکزی، تهدیدهای جدید، از جمله تروریسم و تجزیه‌طلبی را برطرف کند. چین و روسیه مهم‌ترین اعضای شکل‌دهنده این سازمان هستند. در حدود زمان بحران کریمه، چین و روسیه در زمینه همکاری‌های اقتصادی به توافق‌های قابل توجهی رسیدند، که نمونه آن در توافقنامه گاز طبیعی مه ۲۰۱۴ است که به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار بود و همچنین همکاری در مناطق استراتژیک، نشان داده شده است (Lanteigne, 2017).

در مجموع به نظر می‌رسد که سازمان همکاری شانگهای به قول پوتین «مدام مهم‌تر می‌شود و به سمت ایفای نقش‌آفرینی بیشتری در منطقه و جهان پیش می‌رود» (<http://www.dw-world.de/a/13/4/1386/>). این سازمان نمی‌تواند در آینده به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای بماند زیرا حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه، در شرایط متحول جهان کنونی باعث خواهد شد که این سازمان به‌عنوان یک سازمان فرامنطقه‌ای خود را مطرح سازد. سازمان همکاری شانگهای خواسته یا ناخواسته، به تدریج در حال تبدیل شدن از یک سازمان منطقه‌ای به یک سازمان فرامنطقه‌ای است که با توجه به رویکرد استقلال‌طلبانه نسبی روسیه نسبت به آمریکا و غرب و نیز با توجه به نقش غالب روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای، این سازمان چنانچه بر مشکلات درونی خود فائق آید، می‌تواند در آینده به یک سازمان فرامنطقه‌ای مهم و تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل تبدیل شود. در راستای قدرت چین و نقش پررنگ آن در این سازمان، به این موضوع نیز باید اشاره کرد که، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم دیپلماسی خاورمیانه‌ای چین و کل کمک‌های خارجی، کشورهای خاورمیانه از سال ۱۹۵۴ از چین کمک دریافت کرده‌اند. در اوایل قرن بیست‌ویکم، چین در دوره جدید افزایش و رشد وضعیت اقتصادی، همکاری‌های تکنولوژیکی و توسعه منابع انسانی خود را با کشورهای خاورمیانه تقویت کرده است (Yu, 2020).



با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو، ناتو نه تنها فرو نپاشید، بلکه با شتاب و قدرت بیشتری روند گسترش خود را به پیش برد. به اعتقاد پوتین، ناتو با گسترش فعالیت‌های خود به سمت شرق باعث افزایش تنش بین روسیه و اروپا شده و این مسئله در کنار نادیده انگاشتن منافع و مسائل امنیتی روسیه در آسیای مرکزی باعث نارضایتی مسکو از نظام بین‌الملل شده است. انتقادات روسیه از گسترش ناتو و فعالیت آن به سمت شرق و بحران اوکراین باعث فشار مسکو مبنی بر قطع صدور گاز به اروپا و تحریم‌های غربی علیه مسکو شده است (Simbar & Padravand, 2018). به‌هرحال، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استراتژی نظامی غرب، به آسیای مرکزی منتقل شده و در همین راستا، راهبرد گسترش ناتو به سوی آسیای مرکزی عینیت یافته است؛ این گسترش باعث نگرانی روسیه و چین شده و آنها را به عکس‌العمل در قالب شکل‌دهی به سازمان امنیت منطقه‌ای وادار کرده است. این سیستم در ابتدا دارای اهداف منطقه‌ای بود اما با روند گسترش ناتو به شرق و آسیای مرکزی کوشش کرد از روند منطقه‌ای خارج شده و روند فرامنطقه‌ای به خود بگیرد. این حضور ناتو و شانگهای در آسیای مرکزی، طیفی از رقابت تا همکاری را دربرمی‌گیرد.

**الف) تقابل ناتو و سازمان همکاری شانگهای:** پیمان ناتو و سازمان همکاری شانگهای، نه به‌وسیله‌ی ایدئولوژی، بلکه بیشتر روی منافع ژئوپولیتیک‌شان و سایر اختلافات، درمقابل هم قرار خواهند گرفت. در نتیجه سازمان همکاری شانگهای، حضور ناتو و آمریکا را در افغانستان و آسیای مرکزی به‌عنوان تهدید برای منطقه تلقی می‌کند و مبارزه با تروریسم را یک بهانه‌ی سیاسی می‌داند که برای توسعه هژمونی خودش بر منطقه از آن بهره می‌جوید. متقابلاً ناتو و آمریکا نیز سازمان همکاری شانگهای را به‌عنوان نهادی مسلط در آسیای مرکزی می‌دانند که در نتیجه سلطه‌ی مشترک روسیه — چین در پی شکست ناتو مبنی بر حفظ تعهدات منطقه‌ای‌اش، شکل گرفته است. ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی آن، دیگر اراده ندارند حضور نظامی‌شان را در افغانستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی حفظ کنند. درحالی‌که روسیه و چین می‌کوشند تا خلأ قدرت را پر کرده و

همچنان کنترل‌شان را بر این منطقه نفت‌خیز تأمین کنند؛ هند، ایران و سایر کشورهای منطقه نیز می‌خواهند به آنها بپیوندند.

در نتیجه می‌توان گفت که این احتمال بر رقابت استراتژیک میان ناتو و سازمان همکاری شانگهای استوار است. در این صورت هریک از دو سازمان به عضوگیری در منطقه خواهند پرداخت و در نتیجه منطقه تکه‌تکه شده و اختلافات عمیقی در آن ایجاد می‌شود. نمود این مسئله در مقابله کشورهای آسیای مرکزی در مقابل یکدیگر است. در نتیجه این خطر وجود دارد که کشورهای منطقه با هریک از این دو بلوک متحد شوند. در این حالت استدلال می‌شود که استراتژی این کشورها از یکدیگر متفاوت بوده است. به‌عنوان نمونه می‌توان گفت که تاجیکستان و قزاقستان سیاست همکاری و همگرایی با مسکو و پکن در قالب سازمان همکاری شانگهای را تعقیب خواهند کرد و ترکمنستان سیاست بی‌طرفی در منطقه را اتخاذ کرده است؛ کشورهای مانند ازبکستان و قرقیزستان در دوره‌هایی باتوجه به شرایط کشور خود و منطقه، گاه از سیاست هم‌پیمانی با ناتو و در مقاطعی دیگر از سیاست نزدیکی با شانگهای پیروی کرده‌اند.

**ب) تقابل ناتو و سازمان همکاری شانگهای و تأثیر آن بر منافع ملی ایران:**  
گسترش ناتو به شرق باعث نگرانی روسیه و چین خواهد شد در نتیجه آنها در ساختار سازمان همکاری شانگهای به گسترش ناتو واکنش نشان می‌دهند. این تقابل سبب خواهد شد تا ایران که توسط ناتو، آمریکا، ترکیه و اسرائیل محاصره شده و نفوذ سیاسی خود را در این منطقه از دست‌رفته می‌بیند، به همکاری بیشتر با شانگهای روی آورد. این همکاری ایران با شانگهای باعث خواهد شد تا جمهوری اسلامی ایران روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را بیشتر کرده و به‌عنوان یک قدرت تأثیرگذار و بانفوذ در منطقه در تحولات بین‌الملل نقش اساسی ایفا کند. آنچه برای ایران بیش از هر چیز اهمیت می‌یابد، استفاده از این سازمان در جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خویش است، زیرا محیط امنیتی ایران، همپوشی‌های بسیاری با محیط امنیتی سایر اعضای آن دارد؛ از این‌رو این تقابل بین سازمان همکاری شانگهای و ناتو موارد زیر را به

همراه خواهد داشت: چنانچه به ایران در جهت دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی اش کمک اساسی شود، منجر به ایجاد تعادل در محیط و ثبات بیشتری در فضای امنیتی آن می‌شود، ایران تاحدودی از انزوا خارج و قدرت ناتو و آمریکا تعدیل می‌شود، ایران تاحدودی قدرت مانور پیدا خواهد کرد، کاهش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی در همسویی منافع ایران با سازمان در بخش‌های مبارزه با تروریسم قاچاق و تولید مواد مخدر و تجزیه طلبی، گسترش اعتماد و حسن نیت و همکاری و ارائه چهره‌ای دوستانه و مثبت از جمهوری اسلامی ایران در نظر دولت مردان آسیای مرکزی و در نهایت تحکیم همکاری‌ها میان گروه کشورهای فارسی‌زبان و تحکیم پیوندهای سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و اعضای سازمان تقویت می‌شود.

پ) **حالت نه تقابل و نه همکاری:** در این گزینه استدلال می‌شود که هدف از تشکیل شانگهای در وهله اول حل اختلافات مرزی بین چین و روسیه بود و در مرحله دوم تلاشی بود در جهت یک همگرایی اقتصادی و امنیتی بین کشورهای منطقه، تا از این راه با بحران‌هایی که کشورهای آسیای مرکزی بعد از فروپاشی با آن روبرو بودند، مقابله شود لذا سازمان همکاری شانگهای قصد ندارد به مقابله به مثل با ناتو بپردازد. در این احتمال استدلال می‌شود که سازمان همکاری شانگهای، ورشوی جدیدی نیست و در واقع یک وزنه تعادل در برابر ناتو محسوب نمی‌شود. بنابراین کوچکترین دلیلی وجود ندارد که شرکت اعضای آسیای مرکزی در سازمان شانگهای مانع همکاری آنها در ناتو شود. سازمان شانگهای هیچ تهدید مستقیمی برای منافع آمریکا در آسیای مرکزی و به صورت کلی در بیشتر مناطق قلمداد نمی‌شود. لذا دو سازمان هر کدام در پی منافع خود هستند، سازمان همکاری شانگهای کوشش دارد تا ثبات منطقه‌ای را برقرار سازد، بر تروریسم غلبه کرده، جدایی طلبی را سرکوب کند و افراط‌گرایی را مهار کند، ناامنی و بی‌ثباتی‌های داخلی را از بین ببرد و با تجارت مواد مخدر و اسلحه و جنایات سازمان‌یافته مقابله به مثل کند. در مقابل، ناتو و آمریکا تلاش دارند تا از مزایای اقتصادی و بازار انرژی بهره برده لذا این دو سازمان هیچ برخورد و اصطکاک‌کی در

منطقه ندارند.

ج) حالت نه تقابل و نه همکاری و تأثیر آن بر منافع ملی ایران: در این گزینه ناتو و شانگهای اختلافات چندانی ندارند و با همدیگر به تقابل نمی‌پردازند، در نتیجه ممکن است در بعضی موارد با همدیگر همکاری داشته باشند، در این صورت بر ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت. اثرات منفی آن این است که در صورت همکاری ناتو و سازمان همکاری شانگهای حتی در مقیاس کوچک باعث خواهد شد که بر انزوای بیشتر ایران افزوده شود و ایران خود را در منطقه تنها احساس کند، در نتیجه تاحدودی از حمایت‌های چین و روسیه در قبال ایران کاسته خواهد شد.

چ) همکاری‌های میان ناتو و سازمان همکاری شانگهای: باتوجه به جهانی‌شدن تهدیدات و به‌خصوص تهدیدات تروریسم و همکاری روسیه با آمریکا و ناتو در قالب طرح صلح، زمینه لازم برای همکاری بین سازمان شانگهای و ناتو شکل خواهد گرفت. در این مورد استدلال می‌شود که با وجود زمینه‌های مناقشات یادشده در آسیای مرکزی بین ناتو و شانگهای، آمریکا و ناتو از یک طرف، روسیه و چین و در واقع شانگهای از سوی دیگر دارای نگرانی‌های مشترکی نیز هستند که می‌تواند زمینه مصالحه و همکاری این دو جبهه را فراهم کند. محور این مصالحه وجود تهدید مشترکی به نام تروریسم، مواد مخدر و جنایت‌های سازمان‌یافته است، که برای دوطرف تهدیدی غیرقابل تحمل محسوب می‌شود. چنانچه در ماه‌های اخیر نیز بارها از سوی مقامات ناتو، روسیه و چین و شانگهای برای همکاری و همیاری برای پایان جنگ افغانستان فراخوانده شده‌اند. به نظر می‌رسد چین به این گفت و گوها علاقه‌مندتر است و روسیه به هدایت این همکاری‌ها مصر است. ایجاد گفت و گوی رسمی با سازمان همکاری شانگهای ممکن است به تقویت نقش ناتو در کشورهای آسیای مرکزی کمک کند. با این حال، ناتو فاقد روابط رسمی با سازمان همکاری شانگهای یا چین است. مباحث منطقه‌ای چون توسعه اجتماعی و اقتصادی، بهره‌برداری انرژی، مبارزه با تروریسم و مهار قاچاق مواد مخدر، کنترل تسلیحات کشتار جمعی. همکاری در مدیریت

بلاای طبیعی می‌تواند زمینه را برای تقویت مذاکرات ناتو و سازمان همکاری شانگهای فراهم کند.

بنابراین در این سناریو می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که: گرچه در بلندمدت باوجود تداوم رقابت سازمان همکاری‌های شانگهای با سازه‌های غربی مثل ناتو، باتوجه به روندهای فرامنطقه‌ای امکان تقابل جدی بین مسکو و پکن از یک‌سو و واشنگتن و بروکسل از سوی دیگر در آسیای مرکزی دور از ذهن است. چین و روسیه از روابط مثبت با غرب استقبال می‌کنند. آمریکا روابط اقتصادی مستحکمی با چین دارد. آمریکا به مدرنیزاسیون اقتصاد چین کمک می‌کند و درمقابل پکن بازارهای آمریکایی را اقناع می‌کند. روسیه نیز برای ورود به سازمان تجارت جهانی همچنان نیازمند کمک و مساعدت آمریکاست. درنتیجه حداقل درمیان‌مدت روندهای موجود، موجب همکاری و همسویی این قدرت‌ها در منطقه خواهد بود. ناتو از برانگیختن حساسیت روسیه و چین امتناع می‌کند و مسکو و پکن نیز باتوجه به ملاحظات ملی و منطقه‌ای ناگزیر از رعایت ملاحظات آمریکا و ناتو در منطقه هستند. لذا تمایل ایران برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای نباید به معنای صف‌بندی در مقابل غرب باشد. چنانچه به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهمی که ایران را از عضویت کامل در این سازمان بازداشته، نگرانی‌های سران شانگهای از مواضع ضد غربی ایران بوده است.

ح) همکاری‌های میان ناتو و سازمان همکاری شانگهای و منافع ملی ایران: درصورت همکاری ناتو و سازمان همکاری شانگهای و باتوجه به سیاست آمریکا درقبال ایران و گسترش روابط این کشور با روسیه و چین به نظر نمی‌رسد به سود ایران باشد. ایران دیگر نخواهد توانست از رقابت میان آمریکا و روسیه به نفع خود استفاده کند. با اتحاد روسیه و آمریکا یعنی دو قدرت خشکی و دریایی با یکدیگر درقبال ناتو و سازمان همکاری شانگهای، نقشه ژئوپلیتیک جهان به زیان کشور ایران خواهد شد. باتوجه به جایگاه ایران در صحنه بین‌الملل و همچنین مرادوات قدرت پایه میان چین و روسیه از یک‌سو و بلوک غرب ازسوی دیگر، احتمال مورد مصالحه قرار گرفتن ایران در صحنه رقابت‌های سیاسی وجود دارد.

به‌هرحال این احتمال باعث تهدیدات بسیاری برای منافع ملی ایران خواهد شد. در این صورت ایران برای کاستن از حجم تهدیدات باید اقداماتی را انجام دهد: اول: ایران به دلایل ژئوپلیتیکی باید تأمین منافع سیاسی و امنیتی خود را در گروی بهره‌گیری بهینه از گسل‌های موجود بین بلوک‌های قدرت جست و جو کند. واقعیت این است که جایگاه ایران در منطقه و جهان اسلام، موقعیت استراتژیک آن در خلیج فارس و برخورداری از منابع استراتژیک و پتانسیل‌های قوی اقتصادی هر سوداگری را به سوی خود جذب می‌کند. لذا با تدبیر لازم می‌توان از طریق ایجاد رقابت بین مشتریان، گزینه‌ها را متعدد و منافع ملی را بیشینه کرد. دوم: ایران باید به این درک و قابلیت برسد که: ایران و ناتو به همان اندازه که دارای تضاد منابع و ایدئولوژیک هستند، می‌توانند دارای منافع مشترک قابل‌بحث باشند. جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی خود می‌تواند ارتباط با برخی از اعضای ناتو که از طرف‌های سیاسی و اقتصادی اروپایی ایران به شمار می‌روند، داشته باشد. مراکز پژوهشی و فرصت‌های مطالعاتی ایجاد شود تا از جمله چشم‌اندازها و چالش‌های حضور ناتو در افغانستان فضای امنیتی ایران و ناتو و آینده افغانستان مطالعه شود. سوم: همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای برای مقابله با طالبان و القاعده، ایجاد امنیت در افغانستان، مبارزه با موادمخدر، پیوندهای اجتماعی و فرهنگی مشترک ایران با جوامع مستقر در غرب افغانستان ایجاد شود. چهارم: ناتو و ایران می‌باید برای اجرای پروژه افغانستان با یکدیگر همکاری کنند؛ اگر ناتو و ایران بتوانند افغانستان را به حوزه‌ای از همکاری تبدیل کنند؛ تمامی طرف‌های ذی‌نفع فرصت بهتری برای دستیابی به اهداف خود خواهند داشت.

به‌هرحال، تجربه سه دهه گذشته، حاکی از توجه جدی جمهوری اسلامی ایران به موضوع بهره‌گیری از قابلیت‌های فرهنگی و هنجاری خود برای تنظیم روابط خوب با دولت‌های آسیای مرکزی است تا جایی که برپایه دلایل و شواهد موجود، موفقیت ایران در آسیای مرکزی بیش از آنکه به حوزه سخت‌افزاری مربوط باشد، می‌تواند از حوزه نرم‌افزاری نشأت گیرد. در حوزه قدرت هنجاری، تهران از ابتدای دهه ۹۰ میلادی با وجود همه محدودیت‌ها

و فشارهای بیرونی به ویژه از سوی سیاست‌های واشنگتن برای بازسازی پیوندهای فرهنگی و تاریخی خود با منطقه آسیای مرکزی کوشش فراوانی کرده است. به همین دلیل، ایران نه تنها نسبت به اتحادیه اروپایی که در قیاس با بازیگران منطقه‌ای روسیه و چین نیز به لحاظ هنجاری دست برتر را در این منطقه دارد (Rezaii & Haghghi, 2019). از این رو، با آگاهی از این پتانسیل، اهداف سیاست خارجی باید به گونه‌ای طراحی و برنامه‌ریزی شود که منطقه آسیای مرکزی همواره در استراتژی ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جایگاه مهمی را داشته باشد. دستیابی به اهداف و منافع ملی برای ایران، در محدوده‌ای از جهان که مناطق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک چندگانه‌ای را در خود دارد، به‌عنوان یک مشخصه راهبردی محسوب می‌شود که کشورهای متعددی در جهان از چنین موقعیتی برخوردار نیستند.

### داده‌های کیفی

در جداول زیر، فرایند کدگذاری محوری و گزینشی در راستای کشف مضامین سازمان‌یافته و فراگیر تأثیرات رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای بر منافع ملی ایران آورده شده‌اند. همچنین در جدول ۲ نیز تعداد مضامین فراگیر، سازمان‌یافته و پایه‌ای، تأثیرات رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای بر منافع ملی ایران را مستخرج از داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه نیمه‌استاندارد با خبرگان نشان می‌دهد.

جدول ۱. فرایند کدگذاری محوری و گزینشی در راستای کشف مضامین سازمان‌یافته و فراگیر تأثیرات

#### رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای بر منافع ملی ایران

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (انتخابی)
کشف مضامین پایه (کدهای اولیه)	کشف مضامین سازمان‌یافته	کشف مضامین فراگیر
همکاری ایران با سازمان همکاری شانگهای در برابر قدرت ناتو	مقابله با ناتو و قدرت‌های فرامنطقه‌ای	تأثیر امنیتی
از میان برداشتن تهدیدها به واسطه همکاری‌های سازمان همکاری شانگهای		
کاهش خطر ناتو در برابر ایران		
تهدیدزا بودن حضور ناتو برای سازمان همکاری شانگهای در منطقه		

واکنش روسیه و چین به گسترش ناتو در شرق در قالب سازمان همکاری شانگهای	مقابله با تهدیدات افراط‌گرایی و قاچاق در منطقه
تحکیم ثبات امنیتی ایران بواسطه تعامل با سازمان همکاری شانگهای	
شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به دنبال شکست ناتو در منطقه در قالب سلطه روسیه و چین	
حاکم شدن تعادل و ثبات در فضای امنیتی منطقه	
تعدیل شدن قدرت ناتو در منطقه	
مصون ماندن از تهدیدات نظامی و امنیتی آسیای مرکزی در پیوستن به سازمان همکاری شانگهای	
مقابله با ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه	
با انگیزه بودن ایران برای همکاری با سازمان شانگهای بواسطه وجود تهدیدات	
مقابله با جدایی و تنوع‌طلبی در منطقه	
مبارزه با افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی مأموریت و اهداف سازمان همکاری شانگهای	
مقابله با افراط‌گرایی در منطقه	
کاهش هزینه‌های ایران در مقابله با قاچاق و افراط‌گرایی	
مبارزه با افراطی‌گری فلسفه بوجود آمدن سازمان همکاری شانگهای	
جلوگیری از تنش‌های ارضی - مرزی	
همگرا شدن کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در منافع ملی‌شان	
حل اختلافات ارضی روسیه و چین با کشورهای منطقه	
غیرنظامی بودن سازمان شانگهای	
برجسته بودن نقش روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای	
تقدم نگاه امنیتی در شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای	

کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
کشف مضامین فراگیر	کشف مضامین سازمان یافته	کشف مضامین پایه (کدهای اولیه)
تأثیر فرهنگی	تقویت همگرایی فرهنگی در آسیای مرکزی	استفاده از ظرفیتهای فرهنگی در منطقه
		توجه به عناصر قرابت فرهنگی
		تأکید ایران بر اشتراکات فرهنگی در منطقه
		قرابت فرهنگی ایران با کشورهای منطقه
		قرابت فرهنگی منطقه با تمدن ایران اسلامی
-	اتخاذ سیاست خارجی بر مبنای قرابت‌های تاریخی و فرهنگی در منطقه	

کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
کشف مضامین فراگیر	کشف مضامین سازمان یافته	کشف مضامین پایه (کدهای اولیه)
تأثیر سیاسی	بازنگری در سیاست خارجی در آسیای مرکزی	حیاتی بودن آسیای مرکزی برای سیاست خارجی ایران
		کم اهمیت بودن آسیای مرکزی در سیاست خارجی ایران در عمل
		اهمیت راهبردی داشتن آسیای مرکزی برای ایران در ابعاد مختلف
		آسیب شناسی از حیث فعال نبودن سیاست خارجی در منطقه
		بازنگری ایران در سیاست خارجی خود در منطقه
		تعبیر در رویکرد سیاست خارجی در منطقه
		عملکرد فعالانه ایران در سیاست خارجی
		عدم برخورداری ایران از سیاست خارجی مشخص در آسیای مرکزی
	خودداری از تنش و پیگیری منافع ملی	



عدم برخورداری از سیاست خارجی واقعی		
چند وجهی بودن رویکرد سیاست خارجی		
ارزیابی دقیق متحدان و دشمنان		
ضرورت تغییر نگاه امنیتی در قبال عضویت در سازمان همکاری شانگهای		
رها کردن نگاه ایدئولوژیکی		
پرهیز از شعارزدگی و عدم ترکیب آن با آرمانگرایی		
چرخش رویکردی امنیتی ایران از سخت‌افزاری به نرم‌افزاری		
اتخاذ رویکردهای چندوجهی از سوی ایران		
بازنگری ملی زمینه‌ساز تداوم سیاست خارجی فعال		
خلق فضاهاى جدید برای همکاری با منطقه		
خارج شدن ایران از انزوا	گسترش روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای منطقه	
تقویت وجه ایران در منطقه آسیای مرکزی		
نفوذ ایران در منطقه بواسطه تقابل ناتو و سازمان همکاری شانگهای		
استفاده از این فرصت برای تقویت مناسبات خود		
تقویت نفوذ ایران در منطقه در سایه این تقابل		
ایجاد تغییر موازنه قدرت به نفع ایران		
استفاده ایران از فرصتهای ناشی از تقابل ناتو و سازمان همکاری شانگهای		
تقویت همکاری کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای		
هم‌افزایی روسیه و ایران برای ایجاد صلح در منطقه		
تعامل همه جانبه ایران با روسیه در راستای حفظ امنیت منطقه		
پرهیز از تنش با روسیه	اتخاذ دیپلماسی فعال	
هم‌افزایی و تقویت تعاملات ایران با سازمان همکاری شانگهای		
هم‌افزایی با روسیه و چین		
دستیابی به قرائت مشترک از تهدیدات و فرصتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای		
هم‌افزایی ایران با دولتهای منطقه در جهت مقابله با افراط‌گرایی		
دستیابی به ادراک مشترک از مفهوم امنیت در منطقه از سوی ایران و روسیه		
هم‌افزایی جهت تنش‌زدایی در قالب منافع مشترک		
مشارکت ایران در حل بحرانهای منطقه		
القای جاذب بودن حضور ایران در حل منازعات منطقه		
به عضویت در آمدن در سازمان همکاری شانگهای بواسطه یارگیری چین و روسیه در منطقه		
تمایل سازمان همکاری شانگهای به عضویت ایران	اهمیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی	
معلق بودن عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای		
باقی ماندن ایران به عنوان عضو ناظر		
وجود بدبینی نسبت به عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای		
اقدام عملی ایران برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای		
اتخاذ سیاست بیطرفی ایران در تقابل ناتو و سازمان همکاری شانگهای		
تقویت اهمیت آسیای مرکزی در سایه حضور سازمان همکاری شانگهای		
تقویت همکاری ژئوپلیتیکی در قالب همکاری سازمان همکاری		

شانگهای		
اهمیت ژئوپلیتیک منطقه بر تحولات بین‌المللی		
شکل‌گیری نهادهای منطقه‌ای در ابعاد مختلف		
اهمیت راهبردی حضور چین و روسیه در منطقه		
چند وجهی بودن اهمیت آسیای مرکزی		

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی (انتخابی)
کشف مضامین پایه (کدهای اولیه)	کشف مضامین سازمان یافته	کشف مضامین فراگیر
کمک به منافع اقتصادی ایران در سایه تقابل ناتو و سازمان همکاری شانگهای	پیگیری منافع اقتصادی در منطقه	تأثیر اقتصادی
حل مشکلات اقتصادی در منطقه		
پیگیری فرصت‌های اقتصادی		
تلاش برای پیگیری منافع اقتصادی در منطقه		
موقعیت استثنایی ایران در منطقه از حیث دسترسی به آبهای آزاد	اهمیت ترانزیت و انرژی در منطقه	
توجه به توسعه روابط ایران و روسیه در حوزه حمل‌ونقل و انتقال انرژی		
انرژی و منابع طبیعی انگیزه روسیه و آمریکا برای گسترش نفوذ در منطقه		
اهمیت انرژی آسیای مرکزی		

جدول ۲. تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه‌ای تأثیرات رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای بر

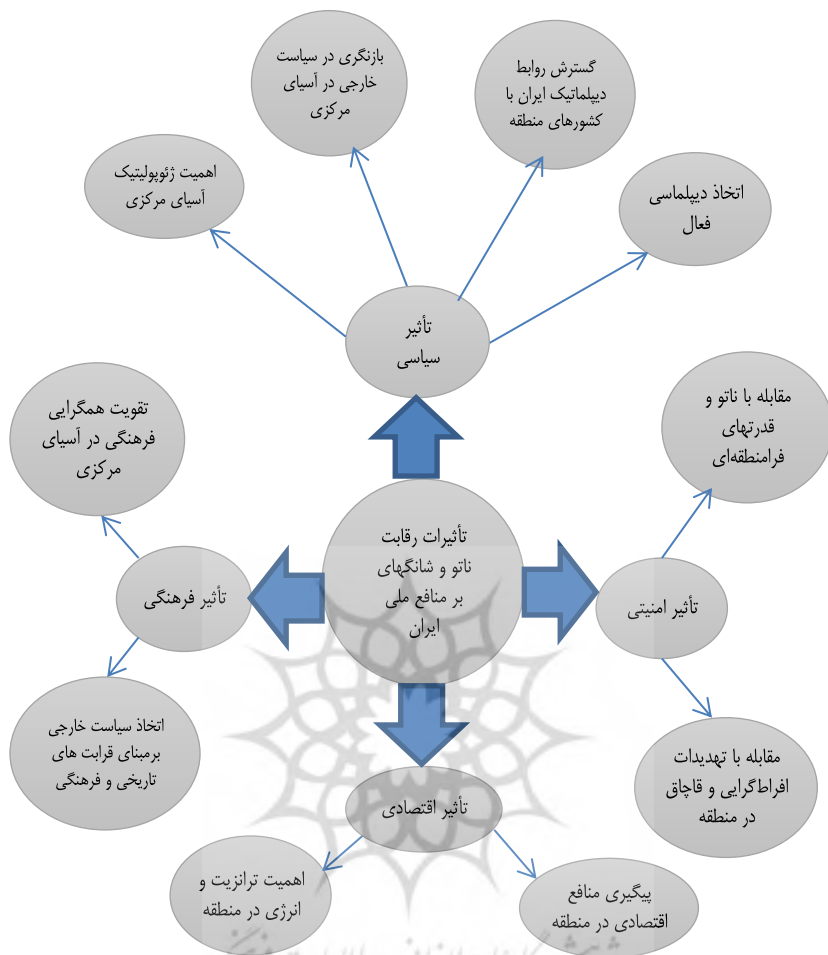
#### منافع ملی ایران

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
۱	تأثیر امنیتی	۲	۲۳
۲	تأثیر فرهنگی	۲	۶
۳	تأثیر سیاسی	۴	۵۱
۴	تأثیر اقتصادی	۲	۸
جمع کل	۴	۱۰	۸۸

همان‌گونه که جدول ۱ نیز نشان می‌دهد تأثیرات رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای بر منافع ملی ایران براساس مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران مرتبط با حوزه مورد مطالعه از چهار مضمون فراگیر: تأثیر امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ۱۰ مضمون سازمان یافته و در نهایت با ۸۸ مضمون پایه‌ای به اشباع نظری رسیده است. پس از احصا و استخراج مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته

و مضامین پایه‌ای تأثیرات رقابت ناتو و شانگهای بر منافع ملی ایران، در این قسمت به ترسیم مدل مفهومی پژوهش یا همان تشکیل شبکه مضامین تأثیرات رقابت ناتو و شانگهای بر منافع ملی ایران در نمودار ۱ مبادرت شده است. باتوجه به یافته‌های جداول ۱ و ۲ و نیز نمودار ۱، تأثیرات رقابت ناتو و شانگهای بر منافع ملی ایران از چهار مضمون فراگیر شامل: تأثیرات امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تشکیل شده است. در این میان:

۱. مضمون فراگیر تأثیر امنیتی: این مضمون، خود از دو مضمون دیگر سازمان‌یافته: الف) مقابله با ناتو و قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛ و ب) مقابله با تهدیدات افراط‌گرایی و قاچاق در منطقه تشکیل شده است.
۲. مضمون فراگیر تأثیر فرهنگی: این مضمون خود نیز از دو مضمون سازمان‌یافته: الف) تقویت همگرایی فرهنگی در آسیای مرکزی؛ و ب) اتخاذ سیاست خارجی بر مبنای قرابت‌های تاریخی و فرهنگی تشکیل شده است.
۳. مضمون فراگیر تأثیر سیاسی: این مضمون نیز از چهار مضمون سازمان‌یافته: الف) بازنگری در سیاست خارجی در آسیای مرکزی؛ ب) گسترش روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای منطقه؛ ج) اتخاذ دیپلماسی فعال و د) اهمیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی تشکیل شده است.
۴. مضمون فراگیر تأثیر اقتصادی: این مضمون، خود از دو مضمون سازمان‌یافته: الف) پیگیری منافع اقتصادی در منطقه؛ و ب) اهمیت ترانزیت و انرژی در منطقه تشکیل شده است.



نمودار ۱. مدل مفهومی تأثیرات رقابت ناتو و شانگهای بر منافع ملی ایران

## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

باتوجه به گزاره‌های نظریه مجموعه منطقه‌ای امنیتی مطرح‌شده در مقاله، رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی بر متغیرهای ژئوپلیتیکی اثرگذار است. می‌توان متغیرهای متعددی را در نظر گرفت؛ اولین متغیر، مسأله انرژی است؛ لذا می‌توان بیان داشت که باتوجه به افزایش نیاز به انرژی در آینده، وجود منابع نفت و گاز بر اهمیت این منطقه افزوده است و موجب رقابت برخی

قدرت‌های اقتصادی برای تسلط بیشتر بر منابع انرژی شده است. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز عاملی مهم در این زمینه است. مثلاً برای ناتو مهار اقتصادی چین، مهار امنیتی روسیه، تحت فشار قرار دادن هند و انزوای ایران عاملی کلیدی برای حضور در منطقه شده است که نوعی تقابل با سازمان همکاری شانگهای را ایجاد کرده است. اهمیت راهبردی و فرهنگی آسیای مرکزی، متغیر دیگر در این زمینه است، چراکه آسیای مرکزی در محل تقاطع فرهنگی میان شرق و غرب واقع شده به طوری که با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوندهای دیرینه‌ای دارد. از نظر تاریخی هم اینکه آسیای مرکزی مدت‌ها در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و از مسیرهای نفوذ فرهنگ غرب به شرق است، این موضوع سبب توجه ناتو به این منطقه شده است. اهمیت استراتژیکی و راهبردی آسیای مرکزی نیز متغیر بعدی است، به گونه‌ای که می‌توان بیان داشت آسیای مرکزی تنها نقطه‌ای از جهان است که چهار قدرت هسته‌ای (روسیه، چین، هند و پاکستان) را به هم متصل می‌کند. کارشناسان موردمصاحبه در ارتباط با موضوع مقاله، نیز معتقد بودند این رقابت عمدتاً جنبه ژئوپلیتیکی دارد و این موضوع نشان‌دهنده برجسته‌تر شدن اهمیت ژئوپلیتیک در سیاست کشورها و بخصوص ابرقدرت‌هاست و دوباره نظریه‌های ژئوپلیتیک به صحنه سیاست بین‌الملل با قدرت بیشتری برگشته‌اند پس تقابل سازمان همکاری شانگهای و ناتو از جنبه‌های مختلف، متغیرهای ژئوپلیتیکی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

در ارتباط با جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی ایران، باید گفت که این منطقه اهمیت بالایی برای ایران دارد. می‌توان مطرح کرد که آسیای مرکزی که یکی از حوزه‌های تمدنی ایران است، پیوسته و طی تاریخ، نقشی اساسی در رشد و گسترش عناصر ایرانی و اسلامی در تمدن ایرانی و دنیای اسلام داشته است. عوامل چندی بر این مسئله تأثیرگذار بوده است از جمله: قرار گرفتن تاجیکستان در حوزه فارسی‌زبانان؛ ایران به‌عنوان احیاکننده فرهنگ و تمدن ایرانی در آسیای مرکزی همواره مورد توجه بوده، به دلیل اهمیت تاریخی زبان فارسی در زمینه‌های فرهنگی و فراوان بودن واژه‌های فارسی، نوعی احساس همدلی و هم‌زبانی بین

مردم این منطقه، با ایران به وجود آمده است. این عوامل به همراه وجود مرزهای مشترک جغرافیایی، برخورداری از کریدور شمال به جنوب، بازارهای مصرفی منطقه، ترانزیت انرژی سبب اهمیت این منطقه در سیاست خارجی ایران شده است. نظر کارشناسان مورد مصاحبه بر این است که آسیای مرکزی جزء نادر مناطق جهان است که به حوزه تمدنی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران نه تنها نزدیک است بلکه قرابت و اشتراکات فراوانی دارد پس خودبه خود این موضوع بسیار با اهمیت است و این در سیاست خارجی ایران دارای اهمیت راهبردی است اما خبرگان بر این نکته تأکید و اجماع دارند که سیاست خارجی ایران در منطقه فاقد برنامه مدون، سیاست راهبردی و پویاست. همین مسئله سبب شده تا قدرت‌های دیگر نفوذ قابل توجهی در منطقه پیدا کنند. لذا چه سیاست خارجی ایران در منطقه فعال باشد یا نباشد، این منطقه از جنبه‌های مختلف در سیاست خارجی ایران از اهمیت راهبردی برخوردار است.

بنابراین باتوجه به داده‌ها و یافته‌هایی (مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه) که در این مقاله مورد تحلیل و تبیین قرار گرفت، سیاست خارجی ایران ناگزیر از توجه به منطقه آسیای مرکزی است. عدم توجه به این منطقه، موجبات خسران برای منافع ملی ایران است. دلیل این تحلیل این است که منطقه‌گرایی و عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای به عنوان یکی از الزامات نظام جهانی و روابط بین‌الملل است. بر مبنای فرصت‌هایی که در آسیای مرکزی وجود دارد، گرایش سیاست خارجی ایران به سمت این منطقه، می‌تواند پتانسیل‌های خوبی برای توسعه ایران به همراه داشته باشد. همچنین چالش‌های موجود نیز می‌تواند امنیت و منافع ملی ایران را با خطراتی مواجه کند. ایران در قبال سازمان همکاری شانگهای و آسیای مرکزی می‌تواند با شناخت روندهای گوناگون اقتصادی، سیاسی و نظامی از یک سو و روندهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی دیگر به تنظیم شبکه‌ای از راهبردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه بپردازد. حضور ناتو در منطقه و تقابل آن با سازمان همکاری شانگهای، دست‌کم از دیدگاه منافع ملی نه تنها موازنه‌ی قوا را در منطقه‌ی وسیعی از جهان برهم می‌زند، برای ایران نیز تهدیدات جداگانه‌ای ایجاد

می‌کند. بنابراین بررسی علمی و عملی اثرات و عواقب این سیاست بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، یک امر حیاتی است که باید موردتبیین واقع شود. ایران باید این گفته رئالیست‌ها را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دهد؛ مبنی بر اینکه در «سطح بین‌المللی هیچ دوست و دشمن دائمی وجود ندارد بلکه منافع ملی دائمی وجود دارد»، لذا اتخاذ سیاست‌هایی در راستای آن که بتواند به جامعه بین‌الملل، اعضای ناتو و کشورهای منطقه بقبولاند که ایران طی تاریخ خود نه متجاوز بوده و نه دشمن کشوری خواهد شد، بلکه همانند دیگر اعضای جامعه بین‌الملل به دنبال منافع ملی خود بوده و پایبند به هنجارهای بین‌المللی نیز هست و همچنین این مسئله را روشن کند که ایران نقشی سازنده در تحولات منطقه‌ای داشته و می‌تواند داشته باشد، ضروری است. لاجرم راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. منافع ملی باید متناسب با منافع سایر کشورها و همچنین با در نظر گرفتن روند جهانی و مسائل آن تعریف شود. محدود شدن به منافع خودی، بدون در نظر گرفتن دیگر جوانب نیز به اندازه محدود شدن آن به عامل خارجی خطرناک است.

۲. متقاعد کردن روسیه و چین به اهمیت همکاری راهبردی با ایران در تمام ابعاد و لحاظ کردن ایران در حل مسائل منطقه.

۳. ایران در قبال سازمان همکاری شانگهای و آسیای مرکزی می‌تواند با شناخت روندهای گوناگون اقتصادی، سیاسی و نظامی از یک‌سو و روندهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی دیگر به تنظیم شبکه‌ای از راهبردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه بپردازد.

## References

- Abdolkhahani, Ali. (2007). Three Generations - Three Discourses in Strategic Culture; *Journal of Strategic Studies*, No. 36, Summer, 260-239.
- Amiri, Ali & Karami, Afshin .(2017). Analysis of Iran-Russia Political Relations in the Field of European Gas Market; *Central Eurasian Studies Quarterly*, Volume 10, Number 1, Spring and Summer, 27-13.
- Bureau of South and Central Asian Affairs. (2020). United States Strategy for Central Asia 2019-2025: Advancing Sovereignty and Economic Prosperity (Overview); (2020). Available at: <https://www.state.gov/united-states-strategy-for-central-asia-2019-2025-advancing-sovereignty-and-economic-prosperity/>
- Buzan, Barry Gordon & Waeber, Ole . (2009). *Regions and Powers : The Structure of International Security*; Translation Ghareman Ghahremaniya, Tehran: Research Institute for Strategic Studies Publications, First Edition.
- Central Asia: Council Adopts a New EU Strategy for the Region; (2019). Available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2019/06/17/central-asia-council-adopts-a-new-eu-strategy-for-the-region/>, European Council Council of the European Union
- Gallo, Ernesto. (2017). SCO not NATO's foe; Available at: [https:// www.eastasiaforum.org/ 2017/09/24/sco-not-natos-foe/](https://www.eastasiaforum.org/2017/09/24/sco-not-natos-foe/), 24 September 2017
- Hatami, Abbas (2013). Comparative typology of distributive and redistributive regimes: Towards a functional approach; *Politics Quarterly*, Spring, No. 25, 116-97.  
<http://www.dw-world.de/a/13/4/1386/>
- Lanteigne, Marc. (2017). Russia, China and the Shanghai Cooperation Organization: Diverging Security Interests and the 'Crimea Effect';



- Russia's Turn to the East, pp 119-138, December, Available at : [https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-69790-1\\_7](https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-319-69790-1_7)
- Lopour, Jacqueline. (2015), Geopolitics at the World's Pivot: Exploring Central Asia's Security Challenges, CIGI Papers, No. 80, November, p. 1-2. Available at: [https://www.cigionline.org/sites/default/files/cigi\\_paper\\_no.80\\_web\\_0.pdf](https://www.cigionline.org/sites/default/files/cigi_paper_no.80_web_0.pdf)
- Motaharniya, Mahdi. (2004). NATO extends to the East and Russian realism; Tehran: Abrar International Institute for Contemporary Studies and Research Publications.
- NATO's relations with Central Asia; (2016). [https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics\\_107957.htm](https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_107957.htm), 22 Feb. 2016
- Nye, J. S. (1990), "Soft Power", Foreign Policy, 80 (Autumn), 153-171, <https://doi.org/10.2307/1148580>
- Partners in Central Asia; (2014). Available at: [https://www.nato.int/nato\\_static\\_fl2014/assets/pdf/stock\\_publications/20140505\\_140505-Background\\_CentralAsia.pdf](https://www.nato.int/nato_static_fl2014/assets/pdf/stock_publications/20140505_140505-Background_CentralAsia.pdf)
- Rafie, Hosyn & Mazlomi, Esmail .(2011). Barriers to Iran-Turkey Convergence in Central Asia and the Caucasus; Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 5, Number 1, Spring and Summer, 98-79.
- Rakhimov, Mirzokhid. (2015). Central Asia in the Context of Western and Russian Interests; Available at: [https://www.researchgate.net/publication/282352606\\_Central\\_Asia\\_in\\_the\\_Context\\_of\\_Western\\_and\\_Russian\\_Interests](https://www.researchgate.net/publication/282352606_Central_Asia_in_the_Context_of_Western_and_Russian_Interests), DOI: 10.3917/eufor.375.0140, January, pp 1-17.
- Rauf, S (2017), "Changing Geopolitical Dynamics in Central Asia: Causes and Effects". Institute of Strategic Studies. Vol. 37, No. 4, pp 149- 165.
- Rezaii, Zabihalah & Haghghi, Mohamad Ali .(2019). Russia's transformational power in Central Asia; Journal of Central Asian and Caucasus Studies, 25 (108), 32-1.
- Simbar, Reza & Padravand, Mahdi .(2018). Russian Foreign Policy Challenges in Central Asia; Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies, 24 (101), 85-57.
- Stronski, Paul & Ng, Nicole. (2018). COOPERATION AND COMPETITION, Russia and China in Central Asia, the Russian Far East, and the Arctic; Carnegie Endowment for International Peace, Available at : [http://carnegieendowment.org/files/CP\\_331\\_Stronski\\_Ng\\_Final1.pdf](http://carnegieendowment.org/files/CP_331_Stronski_Ng_Final1.pdf)

- Sun, Degang & Elmahly, Hend. (2019). NATO vs. SCO: A Comparative Study of Outside Powers' Military Presence in Central Asia and the Gulf; Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, Volume 12, 2018 - Issue 4, pp 438-456, Available at: <https://doi.org/10.1080/25765949.2018.1562594>
- Yu, Zhen. (2020). China's Foreign Aid to the Middle East: History and Development; Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, Volume 14, 2020 - Issue 2, pp 301-321, Available at: <https://doi.org/10.1080/25765949.2020.1760548>
- Лапаева В.В. (2014). Политико-правовая концепция Ю. Хабермаса (с позиций либертарного правопонимания)//[http:// igpran.ru/articles/2964/](http://igpran.ru/articles/2964/) Последнее обращение.

